

خدا شفا بده!

عادل اشکبوس تصویر گر: سام سلماسی

جهان

ریشه واژه جهان از جهیدن است. جهان پیوندی از «جَه + ان» است؛ یعنی آن چه جهیده است.

این واژه آدمی را به یاد داستان «انفجار بزرگ» (big ban) می‌اندازد. به راستی نیاکان ما چه واژه جالبی را برای نام گذاری برگزیده‌اند.

اما برخی بر این باورند که جهان دگرگون شده گیهان است؛ مانند گیان در کردی و پهلوی که در فارسی جان شده است.

خرافات

واژه خرافات در فارسی و عربی بسیار به کار می‌رود. خُرافه نام مردی در دوره جاهلیت عرب حجاز بود که سخنان باورنکردنی و شگفتی بر زبان می‌راند. او می‌گفت به سرزمین جن‌ها رفته و با آنان سخن گفته است و حرف‌هایی دیگر می‌زد که کسی باور نمی‌کرد. از آن پس هر که سخن نادرستی می‌گفت که ریشه در پندارگرایی و نادانی داشت به زبان عربی می‌گفتند:

«جاءَ بِحَدِيثٍ خُرافَةٍ» یعنی سخنی مانند سخن خرافه آورده است. مانند خرافه سخن می‌گوید.

کم کم کلمه خرافه که نام آن مرد خیالاتی عرب بود، گسترش معنی یافت تا جایی که خرافه را جمع بستند و خرافات کردند؛ یعنی سخنانی که از پندارهای نادرست ریشه می‌گیرد.

امروزه داستان آن مرد که نامش خرافه بود فراموش شده است، ولی باورهای دروغین، نادرست و نابخردانه را خرافات می‌نامند.

نام‌های گوناگون شیر جنگل

اسامه / حیدر / اسد / ضِرغام / لیث / ضِیغم / قَسوَره / غضنفر در عربی همگی به معنی شیر هستند. اصلان، ارسلان، آسلان یا آسلان نیز در ترکی به همین معنی به کار می‌روند.

خدا شفا بده!

به بیمار نگوئید «خدا شفا بده!» چون در این حالت شما مرگ او را از خدا خواسته‌اید. شفا در فرهنگ لغت عربی؛ یعنی جان کردن و به واپسین لحظات آدمی گفته می‌شود. واژه «شِفاء» است که به معنی بهبود و تندرستی است. ما در فارسی واژه‌هایی مانند شفاء، زهراء، حُمیراء، شَهلاء، ابتداء، صحراء را بدون همزه پایانی می‌نویسیم. پس شفاء را هم اگر بدون همزه بنویسیم نباید شفا بخوانیم؛ زیرا معنی دگرگون می‌شود. اما قانونی هم هست که می‌گوید: «غلط رایج غلط نیست و چون همه به کار می‌برند پس درست است و هیچ خُرده‌ای بر آن نتوان گرفت.»

اما این اشتباه از این جمله ریشه گرفته است:

«یا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ» در این دُعا به اشتباه دو واژه دَوَاء و شِفَاء را دَوَاء و شِفَاء خوانده‌ایم تا با هم حسابی هم قافیه شوند. درست مانند گرما و سرما یا گشنه و تشنه.



مُزَمِن

گاه در کنار نام برخی

بیماری‌ها واژه مُزَمِن را می‌شنویم، اما شاید

نمی‌دانیم که بیماری مُزَمِن یعنی چه؟ مُزَمِن یعنی دارای زمان، دیرینه، کهنه، زمان بر و زمان گیر که واژه‌های عربی و اسم فاعل از بُزَمِن است. (أَزَمَنْ، یَزَمِنُ، إِمَازَمَانُ بر وزن أَفَعَلَ، یُفَعِّلُ، إِفْعَالُ.)

